

از لابلای یادداشت ها و نیشته های روزمره ام

دورنمای فرایندهای سیاسی مدرن در افغانستان میهن ما بمثابه سرچشمه مبارزه ایدئولوژیک جنگ نامحدود ایالات متحده در کشور

سرپوش گذاشتن به غم و اندوه سربازان
جنگ جز بمفهوم زنده ماندن (!)
اتلاف احمقانه زمان
اقدامات غیرموفق

در مبحث کنونی در سر آغاز سخن و قبل از پرداختن به مقدمات مسأله مورد بحث، یادآور باید شد که در نتیجه عملکردها و کنش های غیرمؤفقانه ایالات متحده در افغانستان و عراق، نسلی از سربازان و نظامیانی ظاهر گردیدند که بجز برای یکدیگر و صرف بمنظور زنده ماندن، انگیزه دیگری در امر تداوم جنگ برای آنها اصلن وجود نداشته و کشور عزیز ما افغانستان با جنگ نامحدود ایالات متحده و شرکای جرمی اش مواجه میباشد، جنگی که در شروع سده ۲۱ آغاز گردیده و اما سرانجام آن اصلن بمشاهده نمی رسد.

سربازان شرکت کننده در جنگ های متذکره، غم و اندوه شان را پنهان نمی نمایند، بویژه زمانی که همه روزه با طلوع خورشید بمنظور تداوم جنگ، مسوولیت ها و وظایف جدیدی بر عهده آنها سپرده می شود. سال های قبل، زمانی که به ابتکار پنتاگون، جنگ در کشور ما آغاز و بر تداوم آن نیز تأکید بعمل آمد، گروه ها و بخش های معینی از نظامیان امریکا بی به اراضی کشور ما، به دامنه های وسیع و گسترده کوه ها و دشت های افغانستان، گویا بمنظور مبارزه علیه "طالب" ها سرازیر گردیدند.

حوادث و واقعات تکوین پذیرفته در کشور ما، بویژه در شرایط کنونی (مانند خروج قطعات جنگی نظامیان خارجی، تحکیم مواضع "طالب" ها، از دیدار روز افزون قاچاق موادمخدر، تکوین تغییراتی در نخبگان حاکم و...)، بگونه گسترده ای سبب نگرانی جامعه جهانی می گردد. حفظ ثبات و امنیت در افغانستان بمفهوم وسیع آن، ضرورت اقدامات قاطع و عملکردهای سازنده همه جوانب زیدخل در پروسه متذکره را در دستور روز قرار می دهد. در نیشته حاضر، وضعیت نظامی - سیاسی کشور ما و تغییرات تکوین پذیرفته در اینباره مورد بررسی و مطالعه قرار داده خواهد شد.

اینک بیشتر از هژده سال از آغاز عملیات "آزادی پایدار" و ورود قوت های نظامی ایالات متحده و نیروهای ناتوبه کشور ما بمنظور مبارزه علیه تروریسم سپری گردید.

به رغم حذف بن لادن رهبر سازمان تروریستی "القاعده" و آغاز عملیات نظامی قوت های ائتلاف بین المللی و نظامیان کشور ما بمنظور جاروب نمودن بقایای مخالفان مسلح، در شرایط و وضعیت کنونی نمی توان از تأمین امنیت و ایجاد ثبات سراسری در کشور، سخنی بمیان آورد. قوای مسلح کشور ما، شعبات و ارگان های تطبیق قانون و نیروهای امنیت ملی تا کنون قادر به تأمین امنیت و اعاده ثبات سراسری در کشور نبوده، توان دفاع مطمئن از مردم و باشندگان کشور را نداشته و بگونه کاملن مستقلانه به انجام و اجرای عملیات های نظامی علیه مخالفان بنیادگرا موفق نگردیده اند. بنابراین می

توان تأکید ورزید که قدرت مرکزی درکشورحتا به کمک و معاونت نیروهای ناتو نیز قادر به تأمین امنیت سراسری در کشور نمی باشد. اکثریت بزرگان، رهبران قومی و قوماندان های محلی، استقلالیت خویش را در مناطق مختلف کشور همچنان حفظ نموده و بیشتر از حاکمیت مرکزی کشور و نیروهای ائتلاف، وضعیت کشور را نیز تعریف می نمایند.

نیروهای مسلح کشور، متأسفانه در طول مدت زمان آغاز جنگ تاکنون در اراضی میهن ما در نتیجه حملات مخالفان مسلح تلفات بیشماری را متقبل گردیدند. افزایش تلفات در صفوف قوای ائتلاف و نیروهای مسلح کشور گواه آنست که به امر تعلیم و تربیه آنچنانی صفوف قوای مسلح کشور ما توجه لازم صورت نمی گیرد. از ارقام و آمار ارائه شده، بوضاحت درجات و سطوح مختلف و متفاوت تعلیم و تربیه، احضارات محاروبی و انگیزه میان نیروهای ائتلاف بین المللی و صفوف قوای مسلح کشور به مشاهده می رسد. همه به روشنی کامل شاهد حملات گروه های مسلح مخالف به پاسگاهها و قرارگاه های نظامیان کشور می باشیم.

در ارتباط به مسأله گفته آمده، به پیدایش و ریشه گیری جنبش ها و حرکت های مذهبی و رادیکال نه تنها در منطقه بلکه بگونه کلی در سراسر جهان باید توجه جدی مبذول گردد. بر اساس آنچه گفته آمدیم، واقعیت ارائه کمک ها و مساعدت های مادی و تهیه مهمات و تسلیحات جنگی و محاروبی به سازمان ها و گروه بندی های تروریستی را باید مورد توجه جدی قرار داد.

توسط بسیاری از کارشناسان و دست اندرکاران امور و سیاستمداران داخلی، تلاش های فراوانی بمنظور ارزیابی بیشتر در مورد رشد و تکامل سیاسی و اقتصادی و پیشبینی دورنماهای وضعیت کنونی کشور بعمل آمده است. نقطه نظر کارشناسان گروه بحران در افغانستان بواقعیت نزدیکتر بنظر می رسد. عده ای از آنها چنین محاسبه می نمایند که بدون کمک و پشتیبانی نیروهای ائتلاف بین المللی، قوت های مسلح افغانستان به تنهایی قادر به تضمین امنیت در کشور نمی باشند.

اگر نیروهای ائتلاف بین المللی و در رأس ایالات متحده بگونه واقعی درصدد تأمین امنیت و ثبات در کشور ما می باشند، پس چرا مراکز و اردوگاه های موجود مخالفان مسلح در اراضی پاکستان را که در آنها تروریستان تحت تعلیم و تربیه قرار گرفته و غرض تداوم جنگ و آدمکشی به افغانستان فرستاده می شوند، مورد حمله و یورش قرار نمی دهند؟ اما در عوض، آنها محلات بود و باش اهالی ملکی کشور را مورد حملات هوایی قرار داده و مردمان بی دفاع کشور ما شامل اطفال، زنان و افراد و اشخاص سالخورده را بخاک و خون کشیده و بیش از پیش به رنج و مصیبت افغان ها می افزایند.

با وجود فعالیت ها و عملکردهای ضد تروریستی ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو و با وجود تمديد مأموریت آنها در اراضی کشور ما، طی سال های اخیر انجام اقدامات و فعالیت های تروریست ها وسعت بی سابقه ای حاصل نموده است. چنین بنظر می رسد که با تداوم وضعیت متذکره، نیروهای مسلح مخالف به جنگ علیه نیروهای بین المللی و قوای مسلح کشور همچنان تداوم بخشند. در حال حاضر ممکن انکشاف اوضاع به توسعه مشابه وضعیت منجر گردد، سلسله حوادث و اتفاقاتی که در بغلان، غزنی، هلمند، کابل، کندهار، پکتیا، پنجشیر و فاریاب رخ داد، شاهد مدعای متذکره می باشد. مطابق گزارش های واصله به مطبوعات کشور، اطلاعاتی مبنی بر تأمین ارتباط عده ای از افراد قوای مسلح کشور با گروه های مسلح مخالف افشاً گردیده است. چنین انکشاف حوادث در کشور کاملن احتمال دارد. در چنین وضعیتی، طبعن نیروهای مسلح مخالف با جمع و جور نمودن نیروهای شان به مبارزه و تداوم جنگ علیه نیروهای بین المللی و قوای مسلح کشور شایق می باشند، آنها چنین می پندارند که تحمیل ارزش های دموکراسی غربی برای آنها غیر قابل تحمل می باشد. بنابراین، آنها هموطنان شان را که در ترکیب نیروهای مسلح قرار داشته و تحت حمایت ایالات متحده می باشند، بخاک و خون می کشند. بنابراین، همچنان، کشتار هموطنان ما و اعلام گاه و بیگاه خروج قوت های نظامی خارجی، بخودی خود سبب ساز کاهش نیروی مبارزه و تضعیف اصل رزمندگی قوای مسلح کشور محسوب می گردد.

مطابق گزارش های سازمان ملل، سال تا سال به تعداد کشته ها و زخمی های افراد ملکی کشور افزایش بعمل می آید. نباید فراموش نمود که با وجود چنین وضعیت و انجام عملیات های نظامی طرف های درگیر، برخی از مناطق کشور در امن و امان می باشد. اما نباید فراموش نمود که مخالفان مسلح در انتظار لحظه مساعد و مناسب اند تا به حملات شان همچنان تداوم بخشند. چه آنها همین اکنون بخش هایی از کشور را در اختیار دارند. بگمان عده ای از کارشناسان امور، حاکمیت سیاسی افغانستان بر پیمان نظامی و امنیتی با ایالات متحده عمدتن بخاطر جلوگیری از تلفات اهالی ملکی کشور

صحه گذاشت. درکنار آن، افغان ها بمنظور تداوم مبارزه کنونی به کمک های مادی و نظامی و دستیابی به تخنیک محار بوی پیشرفته، فراگیری مهارت های تاکتیکی و همچنان به کمک هایی وسیع دیگر بمنظور تداوم مبارزه کنونی و شکستن بن بست فعلی، ضرورت دارند. قرارداد امنیتی، موجودیت و تداوم حضور نیروهای رزمی خارجی در کشور ما را رسمیت بخشیده و شامل توافقاتی مبنی به استقرار و جابجایی آنها در ۹ پایگاه نظامی در اراضی کشور ما می باشد. در اعلامیه رئیس جمهور قبلی ایالات متحده، تذکر بعمل آمده بود که در صورت عدم امضای موافقتنامه امنیتی میا ن افغانستان و ایالات متحده که بمفهوم عدم استفاده از موارد تذکر بعمل آمده در آن می باشد، قوت های نظامی و جنگی افغانستان از هیچگونه معاونت و کمک های مادی و نظامی ایالات متحده مستفید نگردیده و به تنهایی به تداوم مبارزه علیه مخالفان مسلح خواهند پرداخت.

در جهت مخالف چنین موضعگیری، بسیاری از دول و حکومت، عملن در صدد آن شدند تا به تحکیم مناسبات سیاست خارجی و توسعه ارتباطات اقتصادی مفید با جانب افغانی ارجحیت قائل گردیده و حتا با کشورهای آسیای مرکزی نیز چنین مناسبات را بمنظور تحکیم ثبات در منطقه انکشاف بخشند. اما باید در نظر داشت که کدام نیروها و باچه موضعگیری هایی در رأس قدرت در افغانستان قرار داشته و از چه نوع مشی سیاسی پیروی می نمایند. دول کشورهای همجوار و همچنان دولت های کشورهای بزرگ جهانی، حاکمیت سیاسی کشور را بمنظور رهایی و استخلاص از چنین وضعیت ناهنجار، باید یاری رسانیده و معاونت های لازم را بعمل آورند. همچنان، سازماندهی گفتگوها و تنظیم و اجرای مذاکرات میان روسیه، چین و هند در زمینه نیز مؤثر خواهد بود.

نابسامانی اوضاع در کشور نه تنها سبب نگرانی کشورهای همجوار شده، بلکه موجبات ناراحتی و تشویش جامعه جها نی را نیز ببار خواهد آورد. باید بیش از پیش، ایده و مفکوره تقویت و تجهیز لازم قوت های مسلح کشور از قوه بفعل مبدل گردد تا موفق به پذیرش مسوولیت های امنیتی در کشور گردیده و ثبات و امنیت دایمی در سرزمین و اراضی کشور ما تأ مین گردد که می توان آنرا یگانه راه ممکن ختم جنگ و بازسازی جامعه ویران شده افغانی محسوب نمود. کلیه باز یگران منطقوی و جهانی در جهت حل و فصل صلح آمیز قضایای کشور ما به زبان واحد و منطق مشترکی باید دست یابند. کشور عزیز ما از موقعیت نهایت مهم ستراتیژیک در منطقه برخوردار می باشد. افغانستان در مسیرهای عبوری "راه بزرگ ابریشم" قرار دارد. بنابراین، تلاش هایی بمنظور گسترش نفوذ بر بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی، منجر بدان گردید تا ایالات متحده با "طالب"ها به توافق و موافقتی دست یازد، اما تاکنون از تلاش های اینچینی، نتایج ملمو سی حتا به مشاهده هم نمی رسد. چنین اقدامات نه تنها از جانب امریکایی ها، بلکه از جانب دولت افغانستان نیز انجام پذیرفت، اما در گذشته ها، "طالب"ها، مذاکرات با دولت افغانستان و همچنان با امریکایی ها را رد نمودند. بررسی و مطالعه اوضاع این واقعیت را بر ملا می سازد که با فراز آمدن اسلامگراها در رأس قدرت سیاسی، وضعیتی بوجود خواهد آمد که آنها بهیچوجه حاضر به فروگذاری قدرت نشده و از تداوم شیوه حکومتداری منحصر بفرد شان انصراف نخواهند جست.

همچنان نباید فراموش نمود که فدراتیف روسیه مناطق وسیعی از کشورهای آسیای مرکزی را بمثابه مناطق حیاتی خویش پنداشته و با کشورهای نامبرده خواستار مناسبات نیک همجواری و دوستی می باشد، با در نظر داشت واقعیت های متذکره، روسیه مانند ایالات متحده در صدد آن می باشد تا با بخش هایی از "طالب"های میانه رو و همچنان با حا کمیت مرکزی در کشور، مذاکرات و گفتگوهایی را سازماندهی نموده و به توافقاتی در زمینه های یادشده دست یابند. کشورهای دوست افغانستان، بمنظور تحکیم مناسبات دیپلوماتیک، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در صدد آنند تا از هر وسیله ممکن سودجسته و بخاطر کمک به افغان ها و اعمار مجدد جامعه ما، یاری و کمک های وسیع و همه جانبه ای را مبدول نمایند تا وطن و وطنداران ما از وضعیت ناهنجار کنونی استخلاص ورهایی یابند. وضعیت کنونی حکم می نماید تا تلاش بخرچ داد که از فرصت های موجود حداکثر استفاده نموده و وضعیت کنونی در کشور را دگرگون ساخت. با در نظر داشت ابراز نظر بسیاری ها، این واقعیت را هیچگاهی نباید فراموش نمود که اگر انتخابات (چه پارلمانی و چه ریاست جمهوری) با تقلب و فساد همراه گردد، اعتماد و باور مردم کشور به اصل انتخابات خدشه دار شده و جامعه بین المللی نیز در مورد ارائه کمک هایش به کشور ما دچار شک و تردید خواهد گردید. تقلب در انتخابات پیشروی پار لمانی در کشور، محکی خواهد بود به درستی و نادرستی ادعأ های مطرح شده مبنی بر امر فوق توسط حاکمیت سیا سی

کنونی و نیروهای بین المللی ائتلاف، چه اگر به آرای مردم خیانت صورت گرفته و با وجود تحمل خطرات جانی و مالی رأی دهندگان، با آنها بازی های سیاسی و شعبده بازی برآه انداخته شود، به یقین که جز بمفهوم آب ریختن در آسیاب دشمن، تفسیر دیگری وجود ندارد.

بیاد باید داشت که نیروهای امنیتی هند، روسیه و ایران، قبل از همه، به پشتیبانی همه جانبه نیروهای ضد "طالب" بویژه در غرب و شمال کشور ما مبادرت ورزیده و پاکستان برعکس، مانند همیشه به تقویه نیروهای مسلح مخالف در جنوب کشور ما تداوم خواهد بخشید.

باین ترتیب، از امکان تأثیرگذاری عوامل و فاکتورهای داخلی و خارجی در امر رشد و انکشاف پروسه های سیاسی در کشور نباید چشم پوشی بعمل آید. اگر با توجه به دورنمای آرایش های سیاسی آینده در کشور، بویژه پس از انتخابات ۲۰۱۴ ریاست جمهوری نظر اندازیم، قبل از همه به تغییر رژیم ها در پوسته مذهبی آنها بگونه اخصی باید توجه لازمی معطوف داشت.

تلاش ها و جدجهدهایی بمنظور بقدرت رسیدن قوم و نژاد معین را نیز نباید فراموش نمود. اما عده ای چنین می پندارند (گفتیم عده ای) که بقدرت رسیدن نماینده های قوم و ملیت غیر پستون در کشور نامحتمل بنظر می رسد، با وجود آنکه در مجموعه حرکت های دینی و مذهبی در کشور، دوگانگی ها و چندگانگی هایی بمشاهده می رسد، به مشکل بتوا ن موفقیت یک قوم و یا ملیت جداگانه و واحد را بمنظور دستیابی به قدرت سیاسی در کشور تضمین نمود، در غیر آن، منتظر معجزه باید بود.

در صورت توافق همه طرف های ذیدخل در قضایای کشور، شخص مورد نظر را نه بر معیار قومیت و نژاد، بلکه بر بر بنیاد شایستگی، پاکدامنی و صداقت باید برگزید. همچنان مسأله دیگری که بمثابه تضمینی برای پیروزی محسوب می گردد، از جمله یکی هم موجودیت شرایط و وضعیت منحصر بفردی آنها با سناریوی نیروهای سیاسی در وجود قوم و نژاد معین می باشد.

خوب بخاطر داریم که حامد کرزی، رئیس جمهوری وقت کشور بشرط ضمانت ایالات متحده در امر اعاده صلح و تأمین امنیت سراسری در کشور، آمادگی اش را در امضای قرارداد امنیتی با آن کشور ابراز نمود. نامبرده همانگونه که از امضای قرار داد امنیتی با ایالات متحده طفره رفت، از امضای تفاهمنامه مبنی بر فراز آمدن "طالب" ها به قدرت نیز انصراف جست. وی همچنان اظهار داشته و ابراز امیدواری نموده بود که شرکت و سهمگیری "طالب" ها در قدرت، نباید به نحوه مناسبات و موقف حاکمیت سیاسی کشور با اصل حقوق بشر و حقوق مسلم زنان و سهمگیری آنها در حیات سیاسی - اجتماعی کشور، حق تحصیل و سایر حقوق و امتیازات پیشبینی شده در قانون اساسی کشور، از در مخالفت و زبا ن مخاصمت سخن گفته و به حقوق متذکره نباید لطمه و صدمه ای وارد گردد.

متذکر باید گردید که "طالب" ها همچنان بمثابه اتباع افغانستان و مانند سایر هموطنان ما، از حقوق و امتیازاتی که در قانون اساسی کشور برای همه افغان ها پیشبینی و تضمین گردیده است، باید مستفید گردند.

این حقیقت مسلم را هیچگاهی نباید فراموش نمود که با امضای، تصویب و تأیید هرگونه تفاهمنامه، مقوله و... در گام نخست باید منافع ملی کشور ما مطمح نظر بوده و تضمین منافع و مصالح کلیه اقوام، ملیت ها، گروه های نژادی، اقلیت های مذهبی و سایر اتباع کشور ما بدون امتیاز و سواى در نظر گرفتن زبان، ملیت، نژاد، قوم، قبیله، تبار، اصل و نسب و... بمفهوم یک گل بمثابه ملت افغان، باید احترام و مراعات گردد.

ملیت های باهم برادر کشور، همیشه چه در امر مبارزه مشترک علیه دشمنان خارجی و چه در عرصه پیکار مسالمت آمیز بمنظور اعمار جامعه و خوشبختی انسان بمفهوم وسیع آن، در کنار هم بوده، بگونه مساویانه از حقوق و امتیازات بر خوردار شده و چون تن واحد امیدوارند به زندگی و حیات صلح آمیز در کشور ادامه داده و در غم ها و شادی های همدیگر نیز شریک باشند.